



درس ۱

ستایش -

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

واژه‌نامه

اقرار: اعتراف، گفتن حقایق	زرّین: طلایی
الوان: رنگارنگ، جمع لون (رنگ)	ستودن: ستایش کردن
بارخدايا: ای خدای بزرگ!	عاجز: درمانده، ناتوان
بامداد: سحر، صبح زود	عنب: انگور
برنا: جوان	فروزنده: روشن کننده
بیننده: چشم	فکرت: تفکر، اندیشه
تسبیح: ذکر سبحان‌الله، خدا را عبادت کردن	کیوان: سیّاره زُحل
تقدیر: سرنوشتی که خداوند برای موجودات رقم می‌زند.	گردان سپهر: آسمان (آسمانی که می‌چرخد).
تنبیه: آگاه کردن، هوشیار کردن	لیل و نهار: شب و روز
جان: روح	مستمع: شنونده
جهالت: نادانی	مُسَخَّر: رام و مطیع شده
حقّه: جعبه کوچک برای نگهداری جواهر	معرفت: شناخت
یران: شگفت‌زده، متحیر	میان: کمر
دامن: کناره، پایین	میان بستن: آماده کاری شدن
درنگ: مکث، صبر	یاقوت: سنگ قیمتی قرمز رنگ

معنی بیت‌های مهم

به نام خداوند جان و خرد / کزین برتر اندیشه برنلزد

معنی به نام خدایی که «روح» و «اندیشه» را آفرید؛ که بالاتر از این دو چیز، ذهن انسان به هیچ چیزی نمی‌رسد.

به بینندگان، آفریننده را بینی، مرجان دو بیننده را

معنی با دو چشم سر، نمی‌توانی پروردگار را ببینی؛ پس برای دیدن او، چشمانت را آزار نده.

ستودن نماند کس او را چه هست میان بندگی را بیایدت بست

معنی هیچ کس نمی‌تواند به آن شکل که شایسته‌ی خداوند است او را ستایش کند، پس باید از او اطاعت کامل کرد.

بامدادی که تفاوت نلند لیل و نهار خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

معنی صبحی که در آن طول روز و شب یکسان است (اول بهار)، رفتن به دشت و تماشای زیبایی‌های بهار لذت‌بخش است.

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

معنی تمام آفرینش و پدیده‌ها برای آگاه کردن انسان و دل اوست؛ کسی که وجود خداوند را باور ندارد، اصلاً دل ندارد! (زنده نیست).

این همه نقش عجب، بر در و دیوار وجود هر که فکر نلند، نقش بود بر دیوار

معنی هر کسی که این پدیده‌های شگفت‌انگیز را ببیند و اندیشه نکند، با تصاویر بی‌جان روی دیوار تفاوتی ندارد!

که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟ یا که داند که بر آرد گل صد برگ از خار؟

معنی به غیر از خداوند، چه کسی می‌تواند از چوب (درخت)، میوه‌های رنگارنگ به وجود آورد یا از خار، گل زیبا برویاند؟

سعدیا، راست روان گوی سعادت بردند راستی کن که به منزل نرسد، کج رفتار

معنی ای سعدی، افراد درستکار سعادت‌مند شدند، تو هم درست رفتار کن که هیچ انسان بدکاری به سعادت نمی‌رسد.

خیلی هانمی‌دانند

«حقّه» در اصل یعنی جعبه کوچک جواهر.

شعبده‌بازان برای سرگرمی، پیش چشم مردم، جواهری را در حقّه (جعبه کوچک) می‌گذاشتند و در آن را می‌بستند؛ پس از باز کردن حقّه، آن جواهر غیب می‌شد؛ و این‌گونه تماشاگران را فریب می‌دادند.

اصطلاح حقّه‌بازی، به معنای فریبکاری، از اینجا آمده است!



خواننده حرفه‌ای

یک خواننده حرفه‌ای، می‌داند که انعام به معنای نعمت دادن و بخشیدن است؛ و انعام به معنای چهارپایان!

حرف درگوشی ▶▶▶▶▶ یک راهل کودگانه برای اینکه تلفظ دو واژه انعام و انعام را اشتباه نگیریم! کافیسست یارمان بیاید که صدای گوسفندان (بع) و واژه انعام (به معنی چهارپایان) هر دو با صدای - شروع می‌شوند. به همین سادگی.

آب و گفت ادبی

سؤال به نظر شما کدام یک از این دو جمله زیباتر است؟

● باران بارید. ● آسمان گریست.

هر دانش آموز خوش سلیقه‌ای قبول دارد که جمله دوم، زیباتر است. هر دو جمله، خبر از بارش باران می‌دهند؛ اما در جمله دوم، دادن حالت گریه به آسمان، جمله را زیباتر کرده است. جمله اول، به زبان رسمی است و جمله دوم به زبان ادبی و هنری. برای زیباتر کردن جمله‌ها، از زبان ادبی یا هنری استفاده می‌کنیم. «آرایه‌های ادبی» باعث می‌شوند که جمله‌های عادی، به جمله‌های ادبی و هنری تبدیل شوند.

نمونه‌ای از آرایه‌های ادبی: 

جان بخشی یا تشخیص: دادن حالت‌های انسانی، به غیر انسان‌ها:

بغض کند، گریه کند آسمان! اشک بریزد به سر مردمان!

بغض کردن و گریه کردن آسمان و همچنین اشک ریختن آسمان، همه حالت‌های انسانی هستند که به غیر انسان نسبت داده‌ایم.

مراعات نظیر یا تناسب: استفاده هم‌زمان از واژگانی که با هم ارتباط معنایی دارند:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری

ابر، باد، ماه، خورشید و فلک (آسمان)، همه با هم در ارتباط معنایی هستند.

سؤال برای واژه «برگ»، واژه‌هایی پیشنهاد کنید که با هم مراعات نظیر داشته باشند:

تشبیه: مانند کردن چیزی به چیز دیگر:

دوست دارم که پیوشی رخ همچون قمرت تا چو خورشید نبینند به هر بام و درت

چهره یار به ماه (در زیبایی) تشبیه شده است.

حرف درگوشی

واژهٔ تشفیص با «شفص» هم‌خانواده است. تشفیص یعنی شفصیت (درن).
 مراعات یعنی رعایت کردن؛ نظیر یعنی مانند. مراعات نظیر، یعنی رعایت کردن همانندی واژه‌ها.

دورست تازه

بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی



من، ابوالقاسم فردوسی در اواخر قرن ۴، در توس به دنیا آمدم. علاقهٔ من به تاریخ و فرهنگ ایران باعث شد تا سی سال از عمرم را برای سرودن کتاب شاهنامه صرف کنم. تولد من در دورهٔ سامانیان و مرگم (در اوایل قرن ۵) در دورهٔ غزنویان بود. امیدوارم شما هم مثل من، برای نگهداری فرهنگ و زبانمان تلاش کنید.

خدا همهٔ رفتگان را بیمارزد! پدر بزرگ من، مرد شیرین‌زبان و خوش‌قلبی بود. همه او را به خاطر شناختی که از خدا داشت، دوست داشتند. برای من - که محمد بن منور هستم - و برای همه، شنیدن حرف‌های زیبا و پندآمیز پدر بزرگ،



شیرین بود. روزی به فکر من رسید که چه خوب می‌شود اگر خاطره‌ها، حرف‌ها و اتفاق‌های زندگی پدر بزرگم، یعنی ابوسعید ابوالخیر را، بنویسم و همه را تبدیل به کتاب کنم. این شد که دست به کار شدم و از هر کسی که چیزی از پدر بزرگم دیده یا شنیده بود، یادداشتی برداشتم؛ مطالب را جمع‌آوری کردم و در آخر، اسم کتاب را «اسرار التوحید» گذاشتم.

اصلاً فکرش را هم نمی‌کردم که سال‌ها بعد از قرن ۶، کتاب اسرار التوحید، دست به‌دست بچرخد و به‌دست شما برسد.

ادیبان دیگری که در این درس می‌شناسیم:

نام ادیب	تخلص	قرن	آثار	توضیحات
ابوالمجد مجدود بن آدم	سنایی	۵	حديقة الحقیقه سیرالعباد الی المعاد کارنامهٔ بلخ	سنایی در ابتدا پادشاهان را مدح می‌کرد، اما در اواسط عمر به عرفان روی آورد.
مصلح بن عبدالله	سعدی	۷	بوستان، گلستان، دیوان اشعار	بوستان، به نظم است، در ۱۰ باب و گلستان، ترکیب نثر و نظم است، در ۸ باب.

حرف درگوشی دانش‌آموزان، اغلب قرن زندگی حافظ و سعدی را اشتباه می‌گیرند. کفایت به اعدادی که در شکل نام آنها پنهان شده است، توجه کنید:

حافظ سعدی

حافظ قرن ۸

سعدی قرن ۷

نویسنده حرفه‌ای

یک نویسنده حرفه‌ای، باید با مسائل ادبی و زبانی کشور خود، آشنا باشد. ما فارسی‌زبان هستیم و باید با شیوه‌های نگارش نوشته‌های فارسی آشنا باشیم؛ از به کار بردن موارد اشتباه، پرهیز کنیم؛ و همچنین تا جایی که امکان دارد، از واژه‌ها یا دستور زبانِ دیگر کشورها، استفاده نکنیم. یکی از مواردی که با ترجمه آثار خارجی، وارد زبان فارسی شده است، واژه «توسط» است. به جمله‌های همسان زیر دقت کنید:

۱) غذای خوشمزه این مهمانی، توسط عمه‌خانم پخته شده است!

۲) غذای خوشمزه این مهمانی را عمه‌خانم پخته است!

هر دو جمله، یک معنا می‌دهند؛ اما از نظر یک نویسنده حرفه‌ای، جمله دوم درست است. چرا؟

چون در جمله‌هایی که فاعل آن مشخص و معلوم است، نباید از «توسط» استفاده کنیم! در این مثال، فاعل جمله مشخص است (عمه‌خانم)؛ پس لزومی به واژه «توسط» نیست.

سؤال اکنون شما جمله زیر را ویرایش کنید و از نو بنویسید.

این گل، توسط باغبان کاشته شده است.

این توی و این میدان

دانش زبانی

گزینه درست را با علامت ✓ مشخص کنید.

۱ در بیت زیر، منظور از «بینندگان و دو بیننده» چیست؟

ببینندگان، آفریننده را
 نبینی، مرجان دو بیننده را

- الف) تماشاگران، تماشاگران
 ب) انسان‌ها، چشم‌ها
 ج) چشم‌ها، چشم‌ها
 د) دوستان، انسان‌ها

۲ معنی واژه مشخص شده، در کدام گزینه آمده است؟

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
 دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

- الف) هوشیار کردن
 ب) مجازات کردن
 ج) نعمت دادن
 د) متنوع بودن

۳ املاي کدام گزینه درست است؟

- الف) اغرار و اعتراف
 ب) نادانی و قفلت
 ج) جعبه و حقه
 د) انعام و بخشش

جاهای خالی را با استفاده از کلمه‌های مناسب کامل کنید.

- ۴ مسخر، هم‌خانواده است با و مترادف است با
- ۵ مستمع، هم‌خانواده است با و مترادف است با
- ۶ جهالت، هم‌خانواده است با و مترادف است با
- ۷ نهار، مخالف است با واژه و مترادف است با

به سؤال‌های زیر، پاسخ دهید.

۸ املاي زیر را تصحیح کنید و درست هر واژه را بنویسید.

کوه و دریا و درختان همه در تسبیح‌اند
 نه همه مستعی فهم کند این اصرار
 که تواند که دهد میوه علوان از چوب؟
 یا که داند که برآرد گل صد برگ از خوار؟
 پاک و بی‌عیب خدایی که به تغدیر عزیز
 ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار

الف) واژه‌های نادرست:

ب) شکل درست واژه‌ها:

۹ جمله نادرست زیر را ویرایش کنید.

گل‌ها توسط آدم‌های بی‌احساس، لگد شدند.

دانش ادبی

۱۰ گزینه درست را با علامت  مشخص کنید.

۱۱ کتاب سعدی، به «نظم» نوشته شده است.

الف) بهارستان ب) گلستان ج) بوستان د) پریشان

۱۲ اگر بخواهیم مفهوم یک جمله را جذاب‌تر بیان کنیم، از زبان استفاده می‌کنیم.

الف) فارسی ب) ادبی ج) اشاره د) عربی

۱۳ در بیت «عقل حیران شود از خوشه زرین عنب / فهم عاجز شود از حقه یاقوت انار»، تشبیه کدام است؟

الف) عقل به خوشه تشبیه شده است.

ب) خوشه به زرین تشبیه شده است.

ج) انار به حقه یاقوت تشبیه شده است.

د) انار به عنب تشبیه شده است.

۱۴ جاهای خالی را با استفاده از واژه‌های مناسب کامل کنید.

۱۵ شاهنامه در قالب سروده شده است.

۱۶ کتاب سعدی، در ۸ باب نوشته شده است.

۱۷ محمدبن منور، کتاب را در احوالات جدش نوشت.

۱۸ از آثار سنایی غزنوی، و را می‌توان نام برد.

۱۹ فردوسی شاعر قرن است که شاهنامه را در مدّت سرود.

۲۰ به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۲۱ هر یک از بیت‌های زیر چه آرایه‌ای دارند؟

خداوند کیوان و گردان سپهر فرزند ماه و ناهید و مهر

الف) آرایه:

خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند: آخرای خفته، سراز خواب جهالت، بردار؟

ب) آرایه:

۱۹ در بیت زیر چند آرایه می‌بینید؟ آنها را مشخص کنید.



چشم زرگس به شقایق نگران خواهد شد



ارغوان جام عقیقی به سنن خواهد داد

۲۰ با توجه به بیت زیر، تضاد در بین کدام واژه‌ها وجود دارد؟



راستی کن که به منزل نرسد، کج رفتار



سعديا، راست‌روان گوی سعادتم بردند

۲۱ یک جمله یا بیت بنویسید که در آن یک شبکه معنایی (مراعات‌نظیر) با استفاده از واژه «ماه» باشد.

۲۲ به صدای باد و لحظه باز شدن غنچه‌ها جان بدهید.

۲۳ در بیت‌های زیر، کنایه را پیدا کرده و معنا کنید.



میان بندگی را بیایدت بست



ستودن نداند کس او را چو هست

الف



آخرای خفته، سراز خواب جهالت، بردار؟



خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند:

ب



۲۴ وصل کنید.

مفهوم هر مصراع را به آن وصل کنید.

- | | |
|--------------------------------------|---|
| ● % ناتوانی انسان در شکرگزاری | ● % نیابد بدو نیز، اندیشه راه |
| ● % شکرگزاری همه پدیده‌ها | ● % توانا بود هر که دانا بود |
| ● % عدم درک انسان از شگفتی‌های طبیعت | ● % کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند |
| ● % فراتر بودن خداوند از فکر انسان | ● % شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار |
| ● % ارزش علم و دانایی | ● % فهم عاجز شود از حقه یاقوت انار |

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید. 

۲۵ مصراع اول بیت «بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار / خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار»، به چه مفهومی اشاره دارد؟

.....

۲۶ چه شباهتی میان بنفشه و انسان غافل وجود دارد؟

.....

۲۷ دو بیت زیر را از نظر اندیشه دو شاعر، با یکدیگر مقایسه کنید.



نیست گوش‌ی که همی نشنود آوای تو را



دیده‌ای نیست نبیند رخ زیبای تو را



هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار



این همه نقش عجب بردرد دیوار وجود

.....

.....

۲۸ معنای روان بیت‌های زیر را بنویسید. 

دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

یا که داند که بر آرد گل صدبرگ از خار؟

که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟

ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار

پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز

راستی کن که به منزل نرسد، کج رفتار

سعیدیا، راست روان گوی سعادت بردند

که او برتر از نام و از جایگاه

نیابد بدو نیز، اندیشه راه

.....

.....

درس ۲ عجایب صنّ حق تعالی



واژه‌نامه

بحر: دریا	قناعت کردن: کافی دانستن
برّ: بیابان و صحرا	قنديل: جای چراغ؛ جای شمع که مثل لوسترا از سقف آویزان می‌کردند.
بساط: هر چیزی که پهن کنند؛ فرش، سفره، گستر دنی	قوس قزح: رنگین کمان
بهر: به خاطر	محبس: زندان
بُستان: بوستان، باغ	مختصر: کم، اندک
تینیدن: تار بافتن	مدهوش: سرگشته و حیران، از هوش رفته
جمال: زیبایی	منحنی: خمیده
حق تعالی: خداوند بلندمرتبه	منزوی: گوشه گیر
دیبا: پارچه ابریشمی رنگارنگ	مَلک: پادشاه
رستن: رها شدن	مَلک: قلمرو پادشاهی
سریر: تخت	میغ: ابر
صنّ: آفرینش، نیکویی کردن	نبات: گیاه
فراخ: وسیع	نهر: رود، جوی
فروتنی: تواضع	وارهیدن: آزاد شدن

معنی عبارت‌های مهم

در زمین نگاه کن که چگونه بساط تو ساخته است و جوانب وی فراخ، گسترانیده.

معنی به زمین نگاه کن که چگونه آن را مانند یک فرش برای تو پهن کرده و اطرافش را گسترش داده است.

هر یکی را آنچه به کار باید، داد و هر یکی را بیاموخته که غذای خویش چون به دست آورد.

معنی به هر کدام آنچه را که نیاز دارند داده و به هر کدام یاد داده است که چگونه غذای خود را به دست آورند.

اگر در خانه‌ای شوی که به نقش و گچ، کنده کرده باشند، روزگاری دراز، صفت آن گویی.

معنی اگر وارد خانه‌ای شوی که دیوارهای آن نقاشی و گچ کاری شده باشد، مدتی طولانی از آن تعریف می‌کنی.

از جمال صورت قصر و بسیاری غلامان و سریر ملک وی، هیچ خبری ندارد.

معنی از زیبایی ظاهر قصر و فراوانی خدمتکاران و تخت پادشاهی آن آگاهی ندارد.

خیلی هانمی‌دانند

قوس یعنی کمان، قُزح هم یعنی رنگین؛ پس قوسِ قُزح، یعنی کمان رنگین؛ یا همان رنگین کمان!

حرف درگوشی «شدرن»، در زبان فارسی قدیم، گاهی به معنای «رفتن» است!

مثال «اگر به فانه‌ای شوی» یعنی اگر به فانه‌ای بروی یا وارد بشوی.

خواننده حرفه‌ای

یک خواننده حرفه‌ای، هنگام خواندن «متن‌های توصیفی»، با لحنی آرام و توصیفی، متن را می‌خواند.

متنی که در آن چیزهایی توصیف شده است، باید با آرامش و دقیق خوانده شود؛ نه آنچنان احساسی، مثل شعرهای عاطفی و نه آنچنان خشن، مثل شعرهای حماسی! بلکه باید طوری خوانده شود که شنونده بداند که داریم برای او چیزی را وصف می‌کنیم.

یک خواننده حرفه‌ای در تلفظ این واژه‌های شبیه به هم، اشتباه نمی‌کند:

مَلِک یعنی: خداوند، پادشاه

مَلْک یعنی: فرشته

مُلْک یعنی: سرزمین، قلمرو پادشاهی

مِلْک یعنی: خانه، زمین

حرف درگوشی

برای اینکه تلفظ دو واژه مَلْک و مِلْک را اشتباه نگیریم، کافیسست یادمان بیاید که مَلْک (فرشته)، دو بال دارد. دو

بال فرشته، مثل دو علامت فخته $_$ در واژه مَلْک، کنار هم هستند!

یادمان باشد که رُستن یعنی روییدن؛ با رستن (رها شدن) تفاوت دارد. همان‌طور که

این پیک به شکل حرف $_$ روییده است.

«پون»، معانی مختلفی دارد. به نمونه‌های زیر توجه کنید.

پون به معنای مانند: در زلف پون کمندش ای دل مپیچ که آنبا / سرها بریره بینی بی‌پر و بی‌بنایت

پون به معنای زیر: پون چشم تو دل می‌برد از گوشه نشینان / همراه تو بودن گنه از جانب ما نیست

پون به معنای پگونه: ز گریه، مردم چشم نشسته در فون است / بین که در طلبت حال مردمان پون است

پون به معنای **اگر**: فرد چشم جانست پون بنگری / تو بی چشم شادان جهان نسپری

پون به معنای **زمانی که**: سعری آسانست با هر کس گرفتن دوستی / لیک پون پیوند شد، فو باز کردن مشکلست

کتاب و گفت زبانی

سؤال واژه اصلی را در گروه‌های اسمی زیر پیدا کنید.

این انگشتر ← واژه اصلی: کتاب کوچک ← واژه اصلی:

همان‌طور که حدس زدید، انگشتر و کتاب، واژه‌های اصلی این دو عبارت هستند؛ بهتر است بگوییم، **هسته** این عبارتها هستند.

همان‌طور که در سال قبل خواندیم، به واژه اصلی در گروه‌های اسمی، **هسته** می‌گویند. واژه‌های دیگری که با هسته ارتباط دارند، **وابسته** هستند.

در گروه اسمی **این انگشتر**، «این» وابسته است و در گروه اسمی **کتاب کوچک**، «کوچک» وابسته است.

وابسته اگر پیش از هسته بیاید، «**وابسته پیشین**» نام دارد. **این** انگشتر

وابسته اگر پس از هسته بیاید، «**وابسته پسین**» نام دارد. کتاب **کوچک**

وابسته‌های پیشین، اسم‌هایی هستند که مفهوم عدد، اشاره، پرسش، تعجب و ... دارند.

وابسته‌های پسین، اغلب ویژگی‌های اسم را توصیف می‌کنند. (صفت بیانی)

حرف درگوشی در هر جمله، به تکرار هسته‌ها، گروه اسمی داریم. به عنوان مثال در جمله زیر، «کتاب» و «درس»،

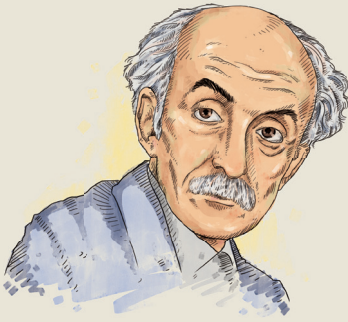
هسته هستند؛ یعنی دو هسته داریم، بنابراین دو گروه اسمی نیز فواهیم داشت:

مثال من با خواندن سه کتاب، آن درس سفت را یاد گرفتم.

۲ ۱

جدول وابسته‌های پیشین و پسین اسم

وابسته‌های اسم	وابسته پیشین	هسته	وابسته پسین
صفت اشاره	این - آن - همین - همان	کتاب	-
صفت شمارشی	چهار - چهارمین	کتاب	-
صفت مبهم	هر - فلان	کتاب	-
صفت تعجبی	چه - عجب	کتابی	-
صفت بیانی	-	کتاب	خوب - مهربان - زیبا - سبز و ...
صفت شمارشی ترتیبی	-	کتاب	پنجم - هفدهم و ...
مضاف‌الیه	-	کتاب	من - مدرسه - ریاضی و ...



سلام! من **علی اسفندیاری** هستم؛ اهل روستای یوش مازندران. تمام کودکی‌ام در کوه‌ها و جنگل‌های زیبای شمال ایران سپری شد. از همان کودکی، عاشق شعر و ادبیات بودم. در مدرسه، معلم مهربانم آقای «نظام وفا» مرا بیشتر با شعر و ادب، آشنا کرد. کم‌کم، تمام زندگی من شعر و شاعری شد؛ آنقدر که حتی برای خودم نام هنری **نیما یوشیج** را انتخاب کردم.

هرروز، تجربه‌های شعری من بیشتر شد و سواد ادبی‌ام را کامل‌تر کردم؛ تا اینکه به شیوه‌ای که خودم اختراع کردم، شعر نوشتم! یعنی اندازه‌ی مصراع‌های شعرم را کم و زیاد کردم و قافیه‌ها را هرجایی که می‌خواستم، در شعرم آوردم. روزها گذشت و این شیوه شعر نوشتن من، به گوش همه رسید و حتی طرفدارهای زیادی هم پیدا کرد. به این ترتیب، به من لقب **پدر شعر نو** را دادند. شعرهای معروف **افسانه** و **قصه رنگ پریده**، از سروده‌های من است. «سبک شعر نو یا شعر نیمایی»، همین سبک شعری است که به شما توضیح دادم و به نام من مشهور شده است.

ادیب دیگری که در این درس می‌شناسیم:



نام ادیب	تخلص	قرن	آثار	توضیحات
ابوحامد محمد	غزالی	۵	کیمیای سعادت نصیحة الملوک احیاءالعلوم الدین	کتاب کیمیای سعادت، خلاصه کتاب احیاء العلوم الدین است و به زبان فارسی نوشته شده است. احمد غزالی، برادر اوست و نباید آنها را باهم اشتباه گرفت.

نویسنده حرفه‌ای

ابزار دست یک نویسنده، «واژه‌ها» هستند. یک نویسنده، بدون واژه‌ها هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد. هرچه تسلط نویسنده بر واژه‌ها، مترادف و متضاد آنها بیشتر باشد، نوشته زیباتری را خلق می‌کند. یک نویسنده حرفه‌ای، حواسش هست که چشم و ذهن خواننده را خسته و دلزده نکند. در اینجا، پنج شیوه خاص را یاد می‌گیریم که نویسندگان حرفه‌ای، هنگام نوشتن متن، به خوبی رعایت می‌کنند:

۱) یک نویسنده حرفه‌ای می‌داند که یک واژه را نباید برای چند بار در یک متن، تکرار کند. به همین خاطر، از واژه‌های مترادف استفاده می‌کند؛ مثلاً اگر در یک جمله از واژه «محبت» استفاده کرد، در جمله بعدی، همین واژه را تکرار نمی‌کند، بلکه از واژه مترادف آن، مثل مهر، عشق، مهربانی یا عاطفه، استفاده می‌کند. به این کار **مترادف‌نویسی** می‌گویند.

سؤال شما چه مترادف‌هایی برای واژه «دانش» پیشنهاد می‌کنید؟

۲ یک نویسنده حرفه‌ای، برای اینکه از واژه تکراری استفاده نکند، گاه معنا و ترکیبی جدید برای آن واژه می‌سازد، مثلاً به جای اینکه چندبار بگوید «آسمان»، یک بار می‌گوید: «این سقفِ آبی» یا «این دریای واژگون»! این گونه، به شکل غیرمستقیم و هنری، به آسمان اشاره می‌کند. به این کار، **گسترش واژه** می‌گویند.

سؤال شما چه تعبیرهای جدیدی برای «خورشید» پیشنهاد می‌کنید؟

۳ یک نویسنده حرفه‌ای برای اینکه یک متن محکم و منسجم بنویسد، نسبت به موضوعی که دارد، از واژه‌های مربوط استفاده می‌کند. مثلاً اگر متنی راجع به دریا می‌نویسد، حتماً از واژه‌های مربوط به آن مثل ساحل، ماهی، صدف، قایق، موج و ... هم استفاده می‌کند. انگار در این متن، همهٔ واژه‌ها با هم مرتبط هستند و یک فضای یکپارچه و منسجم را می‌بینیم. به این شیوه، **شبکهٔ معنایی** می‌گویند.

سؤال شما برای جنگل، چه واژه‌های مرتبطی پیشنهاد می‌کنید؟

۴ نویسنده حرفه‌ای، گاه برای تأثیر بیشتر، از متضاد واژگان هم استفاده می‌کند. مثلاً در همان مثال دریا، یک بار از واژه آرام استفاده می‌کند؛ و جای دیگر اگر نیاز شد از واژه موج و طوفانی. استفاده از یک واژه متضاد، باعث می‌شود که ارزش معنایی واژه دیگر، بیشتر مشخص شود. به این کار، **متضادنویسی** می‌گویند.

سؤال شما هم در مورد فضای خیابان، چند واژه متضاد پیشنهاد کنید.

۵ و در آخر، یک نویسنده ماهر، از فعل‌های مختلف و متنوع استفاده می‌کند. این کار باعث می‌شود که جمله‌ها کوتاه‌تر شوند؛ عمل‌ها و عکس‌العمل‌ها در متن بیشتر شوند و اتفاقات متنوعی در متن بیفتد. به این متن کوتاه توجه کنید: «مادر، کلید را به در انداخت. وارد خانه شد. میوه‌ها را روی میز گذاشت و مریم را صدا زد ...» آوردن فعل‌های متنوع، باعث شد که جمله‌ها کوتاه‌تر شوند و تحرک و پویایی در متن، بیشتر شود. این روش **تنوع در کاربرد فعل‌هاست**.

سؤال شما هم یک سطر بنویسید که فعل‌های مختلف و متنوعی داشته باشد.

این توی و این میدان

دانش زبانی

گزینه درست را با علامت ✓ مشخص کنید.

۱ در عبارت زیر، کدام واژه وابسته است؟

من، هوای سرد را بیشتر می‌پسندم.

الف) هوا ب) من ج) بیشتر د) سرد

۲ در کدام گروه اسمی، وابستهٔ پسین وجود دارد؟

الف) پنج کتاب ب) کدام میز ج) این دانش‌آموز د) غذای مفید

۳ کدام واژه با «حبس» هم‌خانواده است؟

الف) محبس ب) حاسب ج) محاسبه د) حساب

۴ در کدام گزینه، واژه‌ها مترادف هستند؟

الف) برف و باران ب) نبات و گیاه ج) رعد و برق د) جوانب و فراخ

جاهای خالی را با استفاده از واژه‌های داخل کمانک کامل کنید.

۵ هر آنچه در برّ و است، از نشانه‌های خداوند است. (بهر - بر)

۶ چگونه از این همه باران و برف و رعد و برق و تعجب نمی‌کنی؟ (قوس قزح - قوس قزح)

۷ و او خداوندی است که باران را از برای ما فرو فرستاد. (میخ - میخ)

۸ و مثل تو چون مورچه‌ای است که از جمال ظاهر قصر و ملک آن بی‌خبر است. (سریر - سریر)

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۹ برای اسم سرباز، یک وابستهٔ پسین و یک وابستهٔ پیشین بنویسید.

الف) سرباز ب) سرباز

۱۰ معنای واژه‌های زیر را بنویسید.

الف) قندیل: ب) منزوی:

ج) مدهوش: د) دیبا:

۱۱ متضاد واژه‌های زیر را از متن درس پیدا کنید.

الف) هوشیار ب) مختصر =

۱۲) مفرد کلمه‌های زیر را بنویسید.

الف) معادن: ب) اسرار:

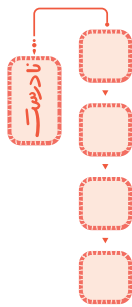
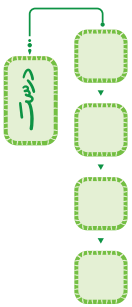
۱۳) برای هر واژه دو هم‌خانواده بنویسید.

الف) معرفت = ، ب) عجایب = ،

ج) متحیر = ، د) صنع = ،

راش ادبی

عبارت‌های درست را با علامت ✓ و عبارت‌های نادرست را با علامت ✗ مشخص کنید.



۱۴) «کیمیای سعادت» اثر مهمّ امام احمد غزّالی است.

۱۵) علی اسفندیاری صاحب اثر «افسانه» است.

۱۶) «کیمیای سعادت» به نظم نگاشته شده است.

۱۷) در ترکیب «آب‌های لطیف» تشبیه وجود دارد.

جاهای خالی را با استفاده از کلمه‌های مناسب کامل کنید.

۱۸) در خواندن متن‌های از آهنگی آرام و توصیفی استفاده می‌کنیم.

۱۹) پدر شعر نو، لقب متخلّص به است.

۲۰) در وصف پدیده‌ها، توجّه به مانند تشبیه و تشخیص، بسیار اهمیت دارد.

۲۱) «کیمیای سعادت» در اصل، خلاصه کتاب است.

جاهای خالی شعر زیر را با استفاده از واژه‌ها و عبارت‌های مناسب کامل کنید.

۲۲) همسال‌های من، شدند / جستند از این ، گشتند دیدنی

۲۳) در و خلوتم، تا وارهم به مرگ / یا پر برآورم، پریدنی

۲۴) تا چند ، در کنج خلوتی؟ / تا به کی، در محبس تنی؟

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۲۵) با توجّه به آنچه یاد گرفتید، در عبارت‌های زیر چه آرایه‌هایی وجود دارد؟

در وقت بهار زمین را بنگر که چون دیبای هفت رنگ گردد.

الف) نام آرایه:

از آنچه در آسمان و زمین است، چون برف و باران و تگرگ و رعد و برق، در هوا پدید آورده است.

ب نام آرایه:

۲۶ «چون» در کدام یک از جمله‌های زیر ادات تشبیه است؟ در جمله‌های دیگر به چه معناست؟

الف و مثل تو چون مورچه‌ای است که در قصر ملکی سوراخی دارد.

ب هریکی را آموخته که غذای خود را چون به‌دست آورد و بچه را چون نگه دارد.

ج آسمان و آفتاب و زمین و آنچه بر وی است، چون کوه‌ها و نهرها از عجایب صنع حق تعالی است.

۲۷ «پيله تنيدن به دور خود»، کنایه از چیست؟

۲۸ واژه‌های زیر را سه بار گسترش بدهید.

نمونه ابر: پنبه بزرگ آسمان.

الف صندلی

ب پیرمرد

۲۹ با واژه‌های زیر، شبکه معنایی بسازید.

نمونه فرش: نخ، در، قالی، پیرز، طرح، گل و بوته.

الف فرشته

ب کتاب



۳۰ جاهای خالی را با استفاده از واژه‌های مناسب کامل کنید.

منظور از «صنع خدای تعالی» هستند.

۳۱ در جمله «راحت داده‌اند تا در بستان معرفت حق تعالی تماشا کنی»، بستان معرفت به معنای است.

۳۲ جمله «زمین چون دیبای هفت رنگ می‌گردد»، به فصل اشاره دارد.

۳۳ از نمونه‌های جلو آفرینش است که خداوند آن را چراغ سقف بی‌ستونش قرار داده است.

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

هر یک از بیت‌های زیر، با کدام بخش از درس تناسب دارد؟

پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز
ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار

الف

چون نپرسی کاین تمائیل از کجا آمد پدید؟
چون نجویی کاین تصاویر از کجا شد آشکار؟

ب

چرا نویسنده انسان و مورچه را مانند هم می‌داند؟

پیام کلی شعر پرواز چیست؟ مخاطب این پیام چه کسانی هستند؟

در شعر پرواز، «کرم» نماد چه افرادی است؟

سه نمونه از آیات حق تعالی را بنویسید.

ارتباط بیت زیر و متن درس را شرح دهید.

جهان، جمله، فروغ روی حق دان
حق اندر وی ز پیدایی است، پنهان

معنای روان بیت و عبارتهای زیر را بنویسید.

مرغان هوا را هر یکی بر شکلی دیگر و بر صورتی دیگر و همه از یکدگر نیکوتر؛ هر یکی را آنچه به کار باید، داد.

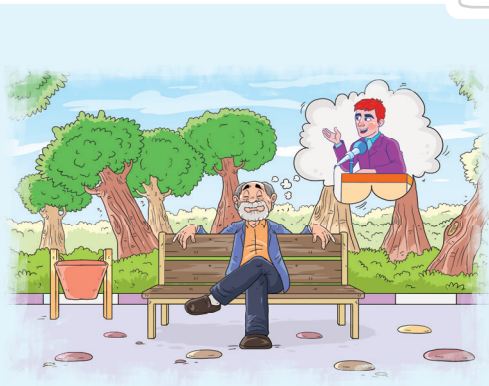
اگر خواهی به درجه مورچه قناعت کنی، می‌باش.

اگر در خانهای شوی که به نقش و گچ کنده کرده باشند، روزگاری دراز، صفات آن گویی.

در زمین، نگاه کن که چگونه بساط تو ساخته است و جوانب وی فراخ، گسترانیده.

در فکر رستتم پاسخ بداد کرم خلوت نشسته‌ام زین روی، منحنی

کتابخوان حرفه‌ای



کودک که بودم می‌خواستم دنیا را تغییر دهم. بزرگتر که شدم متوجه شدم دنیا خیلی بزرگ است و اول باید کشورم را تغییر دهم. بعدها، کشورم را هم بزرگ دیدم! و تصمیم گرفتم شهرم را تغییر دهم. در سالخوردگی تصمیم گرفتم خانواده‌ام را متحول کنم. حالا که در آستانه مردن هستم، می‌فهمم که اگر روز اول خودم را تغییر داده بودم، شاید می‌توانستم دنیا را هم تغییر دهم ...

الف) هدف اول شخصیت این متن چه بود؟

ب) شما برای این متن، چه نامی انتخاب می‌کنید؟

ج) برای اثرگذاری و تغییر در جهان، باید از کجا شروع کرد؟



درس ۳

مثل آینه، کار و شایستگی

واژه‌نامه

بصیرت: بینش، با دقت دیدن

پندار: فکر، خیال

حرص: زیاده‌خواهی، طمع

خروار: مقدار بار یک خر (سیصد کیلوگرم)

خسرو: پادشاه

خودپسندی: غرور

دریغ: حیف!

زنهار: آگاه باش

زنگار: آلودگی و جرم حاصل از زنگ زدن فلز یا آینه

عار: عیب و ننگ

فرتوتی: پیری، ناتوانی

متاع: کالا، جنس

موسم: فصل، هنگام

هیاهو: غوغا، شلوغی

معنی‌بیت‌های مهم

جوانی که کار و شایستگی است که خودپسندی و پندار نیست

معنی: جوانی، وقت کار کردن و کسب شایستگی است؛ زمان غرور و خیال‌های بیهوده نیست.

به چشم بصیرت به خود درنگر تو را تا در آینه، زنگار نیست

معنی: تا زمانی که آینه وجود تو را زنگار نگرفته (دلت به گناهان آلوده نشده)، با بینش و آگاهی به خود نگاه کن.

توبینه حرف‌های

سؤال: به نظر شما اگر بخواهیم با یک کودک پنج‌ساله صحبت کنیم، باید با چه لحن و صدایی با او حرف بزنیم؟

سؤال: حال اگر بخواهیم داستان یک قهرمان را تعریف کنیم و ماجرای شجاعت او را بیان کنیم، با چه حال و هوایی داستان را

می‌گوییم؟

